

(عليه السلام) شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق دست (۳) / حق الید

تاریخ ۱۳۹۳ / ۰۷ / ۲۰

فهرست

■ بررسی سه فرضیه درباره‌ی جانشینی پیامبر

■ تشیع یا مولود طبیعی اسلام

■ دانشنامه‌ای برای خواندن

■ معرفی جانشین، مهم‌ترین رسالت پیامبر

■ واقعه‌ای برای تمام تاریخ

■ شکر عید غدیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرا رسیدن بهترین و بزرگ‌ترین عید اسلامی و انسانی، یعنی عید سعید غدیر را به محضر مقدس امام عصر (علیه الصلاة والسلام و عجل الله تعالی فرجه الشریف) و همه‌ی عزیزمان تبریک عرض می‌کنیم. موضوع در مورد حق دست است و به مقطعی رسیدیم که دست کاربرد ویژه‌ای دارد؛ یعنی دست بیعت و دست نصرت که هر دوی اینها در جریان غدیر معنای خاصی پیدا می‌کند. اساساً شب و روز عید سعید غدیر فرصت بازاندیشی درباره‌ی نسبت ما و آن حادثه‌ی بزرگ و پیام ویژه‌ی آن حادثه است. پیامبر عزیز ما این نسبت را با بیعت تعریف کردند که دست در بیعت جنبه‌ی نمادین دارد. بیعتی که در روز عید انجام شد و در منطقه‌ی غدیر سه روز طول کشید، با حضور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و با دست انجام می‌شد؛ لذا همچنان همین تصویر ذهنی برای همه‌ی ما از بیعت وجود دارد. ان شاء الله که همه‌ی ما در بیعت با مولایمان امیرالمؤمنین

(عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) و یادگار گران قدرشان، امیر غدیر در روزگار ما، یعنی حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشیم.

### ■ بررسی سه فرضیه درباره‌ی جانشینی پیامبر

سبک ورود به این بحث مهم را با الهام از شهید والامقام و باسعادت روزگارمان، یعنی شهید آیت الله محمدباقر صدر (رضوان الله تعالی علیه) انتخاب می‌کنیم. ایشان کتاب بسیار ارزشمندی درباره‌ی تشیع نوشتند که صفحات مختصری دارد. در آن کتاب از یک روش کاملاً منطقی و عقلانی در موضوع بحث غدیر و ولایت امیرالمؤمنین و امامت حضرت استفاده کردند. به نظر می‌رسد این روش بحث خیلی پسندیده است. آن را تقدیم می‌کنم تا نسل جوان ما با این روش آشنا شود. ضمن اینکه یادی هم کرده‌ایم از شخصیت حقیقتاً ممتاز آیت الله شهید صدر که از بهترین یاران فکری انقلاب اسلامی برای امام بود. از همان روزهای اول و در آستانه‌ی پیروزی انقلاب، طرح‌های گوناگونی را برای جمهوری اسلامی با آن ذهن روشنشان نوشتند. ایشان که

یک فقیه رشید خوش فکر و به‌روز بودند، در تدوین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی شرکت داشتند. حضرت آیت الله صدر در آن نگاهشده‌ی زیبا مسئله را این‌طور شروع می‌کنند که قرآن کریم صراحتاً به پیامبر عزیز ما می‌فرماید: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ؛ قطعاً تو خواهی مُرد، و آنان [نیز] خواهند مُرد». یعنی این پیامبر مثل سایر مردم از دنیا خواهد رفت. حضرت در سال آخر عمر شریفشان - با اینکه فقط حدود ۶۳ سال از عمر شریفشان می‌گذشت - این احساس برایشان پیدا شده بود که زمان رحلتشان نزدیک است. در این جهت فرقی بین پیامبر و سایرین نیست؛ همچنان‌که سایر پیامبران پیشین هم از دنیا رفتند - جز بعضی که بر اساس نص قرآن کریم به آسمان برده شدند - آن حضرت نیز مرگ را درک خواهد کرد. سؤال کلیدی این است که پیامبر عزیز ما برای بعد از خودشان، برای رشد و صلاح امت تا قیامت، آیا طرحی داشتند یا نه؟ با این فرض مهم که دیگر پیامبری نخواهد آمد و ایشان خاتم النبیین است و رسالت پایان یافته است.

بر اساس احتمالات قضیه را بررسی می‌کنیم. می‌شود سه فرض را بررسی کرد. فرض اول این است که حضرت نسبت به آینده‌ی رسالتشان کاملاً بی‌خیال باشند و اساساً به آن هیچ کاری نداشته باشند که این، محال است. فرض دوم این است که کار آینده‌ی امت، رسالت و مرجعیت فکری و سیاسی جامعه را به خود مردم واگذار کنند؛ حالا یا به صورت عمومی بگویند تا خود امت فکری بکنند، یا گروهی از نخبگان و مثلاً بزرگ‌ترها را مأمور کنند که در این باره تصمیم بگیرند. این هم یک فرض است. فرض سوم هم وجود دارد و آن اینکه پیامبر عزیز ما برای آینده‌ی رسالت و اداره‌ی جامعه و مرجعیت فکری و سیاسی جامعه، طراحی کرده باشند. تمام امت اسلامی در این بخش با همدیگر متفق هستند و اجماع دارند که شخصیت پیامبر عزیز ما بر قله‌ی حکمت، دانش، معرفت، دوراندیشی و تدبیر قرار داشت. پیامبر ما پیامبر آخر الزمان است و شخصیتی است که در کلاس انبیاء صدرنشین و خاتم است. چنین شخصیتی به علوم الهی و وحی متصل و در قبال رسالتش کاملاً متعهد

است. برای ایفای مسئولیت پیامبری - یعنی رساندن پیام خدای متعال به انسان‌ها - با تمام وجود در میدان حضور دارد. چنین کسی و با این خصوصیات، در آستانه‌ی رحلتش، آینده‌ی امت، مصلحت‌هایش و تحقق آرمان‌ها و آرزوهای رسالت را که در قرآن کریم ترسیم شده، پیش رویش قرار دارد. ظاهراً در بین امت اسلامی کسی منکر چیزهایی که عرض شد، نیست. یعنی هیچ کس راجع به حکمت، علم، دوراندیشی، فهم سیاسی، اشراف و دلبستگی به رسالت و عشق به فرمان الهی پیامبر اعظم، ابهام و شکی ندارد.

با این توضیحات فرض اول اصلاً امکان ندارد.

فرض دوم در صورتی درست است که بپذیریم امت از نظر رشد کمالات در وضعیتی بوده که گویا همه در اوج اخلاق، فهم، ادب و درک حقیقت بوده‌اند و هیچ خطری آنها را تهدید نمی‌کرده است؛ نه خطر داخلی، نه خطر بیرونی. بنابراین چنین شخصیتی می‌تواند با طیب خاطر و اطمینان بگوید من از دنیا می‌روم و برای آینده‌ی رسالتم هیچ نگرانی ندارم. یعنی گویا تمام اهداف رسالت در

امت به من چه ربطی دارد. چنین چیزی راجع به شخصیت پیامبر محال است و با اخلاق آن حضرت صددرصد مغایرت دارد. می‌ماند اینکه بگوییم این قدر امت پیشرفته و رشید بود که اساساً به این تدبیر نیازی نبود و همه‌ی اهداف برآورده شده بود که این‌طور هم نبود. پس فرض اول متفی است.

فرض دوم این است که پیامبر عزیز ما (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ) کار را به امت سپرده و تفویض کرده باشند. این تفویض علی القاعده نمی‌تواند این‌طور باشد که بگوییم آن حضرت اعلام کردند که همه‌ی مردم برای آینده‌ی خود تصمیمی بگیرند؛ زیرا در این صورت این همان فرض قبلی می‌شود. اگر بگوییم به امت سپردند، یعنی به چه کسانی و با چه خصوصیتی سپردند؟ چگونه جمع شوند و برای رهبری، قیادت، مرجعیت فکری و سیاسی و اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی تعیین تکلیف کنند؟ فرضی که در اینجا مطرح شده، فرض شورا است؛ یعنی پیامبر عزیز ما کار آینده‌ی امت را به جمع برگزیده‌ای از امت، مثلاً از اصحاب نزدیک پیامبر، از مهاجرین و انصار،

سپرده باشند که بعداً با هم شورایی تشکیل دهند و مجلس خبرگانی درست کنند و در آنجا شخص اول امت اسلامی را انتخاب و مسیر آینده را ترسیم کنند. این فرض کم و بیش مورد بحث قرار گرفته است. اینجا نکته‌ی قبلی به ما کمک می‌کند؛ آن توضیح کوتاهی که عرض شد که امت اسلامی هنوز با نقطه‌ی مطلوب فاصله بسیار دارد. دقیق‌تر عرض کنیم، حتی کسانی که دور و بر پیامبر بودند، یعنی تقریباً جزء شخصیت‌های شناخته‌شده‌ی انصار و مهاجرین هم بودند، با آرمان نبوت، اهداف رسالت، هم از جهت سطح فهم و درک و هم از نظر شخصیتی و قدرت اجرا و امثال اینها، خیلی فاصله داشتند. آن مطلبی که گفتیم، درباره‌ی برگزیدگان انصار و مهاجرین نیز صادق است. یعنی آنان هم به دعوای قبیلگی و تشخیص‌های سطحی دچار بودند. منتها آنها بیشتر خدمت کرده بودند و احیاناً در بعضی از مجاهدت‌ها حضور بیشتری داشتند؛ اما شایستگی ترسیم مصلحت آینده‌ی امت اسلامی - آن‌هم در امتداد تاریخی‌اش تا قیامت - را نداشتند. چنین چیزی در بین این شخصیت‌های بزرگ دیده نمی‌شود.

به فرض هم بگوییم در بین آنها کسانی حضور داشتند که در سطح بالایی بودند. سؤال بعدی این است که طبق کدام سند پیامبر عزیز ما کار را به شورایی بعد از خودشان سپردند؟ کدام سند است که این وضعیت را مشخص می‌کند؟ در آن سند باید اسم اعضای شورا یا حداقل شاخص‌هایشان مشخص و تعریف شده باشد. حتی مختصات برگزاری چنین جلسه‌ای، سازوکار و آیین‌نامه‌ی داخلی‌اش تعریف شده باشد. مثلاً اگر نصف نصف شد، چطور تصمیم بگیرند. کجا چنین ضوابطی ارائه شده است؟ برای تصمیم‌گیری درباره‌ی سرنوشت امت - آن‌هم توسط شورایی از نخبگان - چنین چیزی نداریم و سندی به ما نرسیده است. بهترین دلیل هم این است که خلیفه‌ی اول برای بعد از خودش از شورا استفاده نکرد؛ یعنی خلیفه دوم را خودش انتخاب کرد. البته خلیفه‌ی دوم برای بعد از خودش شورای شش نفره‌ای را معین کرد. آن را هم برای وقت ضرورت با یک خصوصیات خاصی گذاشت که در آن حق و تو و امثال اینها هم تعریف شده بود. ولی آنجا هیچ‌کس و خود ایشان هم نگفت که

ما به سیره‌ی پیامبر عمل می‌کنیم. این نکته دقیق است. چنانچه می‌گفتند سیره و سندی از پیامبر داریم که بعد از پیامبر باید طبق آن قاعده عمل شود، بنابراین ما هم طبق همان سیره عمل می‌کنیم، سخنشان پذیرفتنی بود. اما چنین چیزی به هیچ وجه وجود ندارد. او اصلاً استنادی نداد. خودش تصمیم گرفت و گفت من تشخیصم این است که برای بعد از من این شش نفر تصمیم بگیرند؛ آن هم با آن کیفیت و خصوصیات. این دو فرض به این ترتیب از محیط بررسی ما خارج می‌شود. بطلان فرض اول با همان توضیح اولیه واضح بود. فرض دوم هم با مراجعات تاریخی و بررسی‌ها باطل است؛ زیرا در بین اصحاب، جمعی که بتوانند قبایل و مجموعه‌های موجود آن زمان را پوشش دهد و سطح عالی از علم، دانش، تقوا، حکمت، عرفان و عشق، تدبیر، سیاست، مدیریت و شجاعت داشته باشد که بتواند بر اساس قواعد قرآن کریم و سیره نبوی برای آینده امت اسلامی، هم در زمان خودش و هم برای امتداد تاریخی‌اش تصمیم بگیرد، وجود نداشته است. ضمن اینکه اساساً چنین نصی از پیامبر

عزیز ما نرسیده و کسی نقل نکرده که حضرت شورایی برای چنین کاری پیشنهاد داده باشند. به این ترتیب در این بررسی فقط یک فرض باقی می‌ماند، آن هم اینکه پیامبر عزیز (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) برای آینده امت اسلامی با همان حرصی که «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ»<sup>۲</sup> به [هدایت] شما حریص<sup>۳</sup> و با همان رحمت و مهربانی وجود مقدسش که چندبار تا مرز جان دادن پیش رفته است و خدای متعال به ایشان خطاب کرده: «طه، مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى»<sup>۴</sup> طه، قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی» یا در آیه کریمه دیگر خطاب می‌شود: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ مُّقْسِكٌ عَلَيَّ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا»<sup>۵</sup> شاید، اگر به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از اندوه در پیگیری [کار] شان تباه کنی» با این دلدادگی نسبت به آحاد امت و آینده‌ی آن - آن‌هم در امتداد تاریخی‌اش تا دامنه‌ی قیامت - برنامه‌ریزی کرده باشند. نگاه پیامبر اکرم امتدادی، افق‌دار و آینده‌دار است و مقطعی و متعلق به عصر و زمان خودش نیست. چنین شخصیتی، با این رسالت

جهانی و ابدی، فقط یک فرض پیش رویش هست و آن فرض عبارت است از اینکه برای آینده‌ی امت اسلامی تکلیف را در بهترین وضعیت ممکن مشخص کند. این فرض در عید سعید غدیر خم تجلی یافت.

### ■ تشیع یا مولود طبیعی اسلام

با الهام از کتاب شریف «تشیع»، نگاهشده‌ی آیت الله شهید صدر بحث را ادامه می‌دهیم. این کتاب به فارسی ترجمه شده است با همین عنوان و یک ترجمه‌ی دیگر هم دارد با عنوان تشیع یا مولود طبیعی اسلام که کتاب حقیقتاً فوق‌العاده‌ای است. اگر اسلام صحیح جلو رود، مولودش تشیع می‌شود. مرحوم آیت الله صدر (رَضَوَانُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ) ذهن ریاضی، منطقی و فوق‌العاده دقیق‌ی داشتند. ایشان کتاب‌هایی در منطق دارند و «فَلَسْفَتْنَا» و «اِقْتِصَادُنَا» نام دو کتاب ایشان است. حقیقتاً از مفاخر بزرگ شیعه در زمان ما بود که دارای نوآوری در اصول، فقه، کلام و تفسیر بود. این نگاه منطقی را می‌توانید در همین کتاب کوچک نیز ببینید.

### ■ دانشنامه‌ای برای خواندن

در مؤسسه‌ی فاخر و گرامی دارالحدیث که حقیقتاً از مؤسسات پربیرکت روزگار ما است، یک کار بسیار زیبایی را در سال امیرالمؤمنین (علیه السلام) انجام دادند و آن عبارت است از ترتیب دادن یک دانشنامه به نام امام علی (علیه السلام). آقای ری شهری دانشنامه‌ای هم راجع به امام حسین (علیه السلام) نوشته‌اند که جدید است و آن هم کار فوق العاده جذابی است. خوشبختانه دانشنامه‌ی امام علی (علیه الصلاة والسلام) به زبان فارسی، انگلیسی، اردو و بعضی از زبان‌های دیگر ترجمه شده است.

دانشنامه‌ی امام علی (علیه السلام)، انتشارات دارالحدیث، حقیقتاً کتاب فاخری است که معارف فراوانی در باب شخصیت علی بن ابی طالب (علیه الصلاة والسلام) در آن گردآوری شده است.

کتاب آیت‌الله شهید صدر را در حوالی سال ۵۸، ۵۹ که دانش‌آموز بودم، عزیزانی به ما معرفی کردند. این کتاب شیرین و جذاب، به درد نسل جوان می‌خورد و قابل فهم است؛ زیرا با نگاه عمومی نگاشته شده است. در ذهن من سال‌ها بود و آرزو می‌کردم که این سبک ورود

منطقی و دقیق این شهید عالی قدر و عزیز به جامعه‌ی ما ارائه شود تا نسل جوان ما و ارادتمندان علی بن ابی طالب (علیه الصلاة والسلام)، هم ذهنشان مستحکم شود و هم بتوانند در مقام دفاع از عقایدشان صاحب یک دستگاه روشنی باشند. اخیراً چشم ما روشن شد به اینکه دوستان عزیز و فرهیخته‌ی ما در این مؤسسه‌ی رشید که تحت نظر آیت‌الله ری شهری (حفظه الله تعالی) فعالیت می‌کند، در این دانشنامه به این قصه پرداختند و توجه پیدا کردند. حقیقتاً از صمیم قلب آن را تحسین کردم؛ چون سبک آقای صدر یک سبک بدیع و زیبایی است.

### ■ معرفی جانشین، مهم‌ترین رسالت پیامبر

در جلد دوم این دانشنامه‌ی ارزشمند، این دوستان عزیز بر اساس سبک آیت‌الله شهید صدر وارد شدند و یک کار تکمیلی بسیار زیبایی را انجام دادند و نظر روشن شهید صدر (رضوان الله تعالی علیه) را تکمیل کردند. آن کار این بوده که بنگریم پیامبر اکرم در مسیر دوران رسالتشان برای ارائه‌ی طرح مورد نظرشان چه کارهایی کردند؟

در این بررسی، اولین پاسخ که به ذهن همه‌ی ما می‌آید، غدیر است که از همه شناخته‌شده‌تر است. در غدیر، در روزهای پایان عمر شریفشان حضرت تکلیف آینده را مشخص کردند. اما در این بررسی واضح می‌شود که پیامبر عزیز ما با آن نگاه ژرف، آینده‌نگرانه، حکیمانه، مدبرانه، حیاتی، ربّانی و خدایی خودشان، درست از روزی که رسالت خود را آشکار کردند، به فکر این آینده بودند و برایش طراحی داشتند. از همان روز اول تا روز آخر عمر شریفشان هیچ‌گاه از معرفی جانشین خود دست برنداشتند. جالب اینکه غدیر آخرین روزی نیست که حضرت جانشین خود را معرفی کرد. پس از غدیر حضرت بیمار می‌شوند که ماجرای خاص خود را دارد. در بستر بیماری هم پیامبر عزیز دست برداشتند که در این کتاب شریف تمام این مراحل آمده است. اینها مجموعه‌ی اقداماتی است که پیامبر عزیز ما داشتند برای بلا تکلیف نماندن امت و تعیین تکلیف و طراحی و ارائه‌ی نقشه و مسیر. ما مجموعه‌های بسیار زیبا و بدیعی داریم که بین فریقین مشترک است؛ یعنی شیعه و سنی در آن مشترک

هستند و در کتاب‌های هر دو آمده که منابعش در همین کتاب نورانی ذکر شده است. پیامبر اکرم وقتی رسالتش را شروع کرد که دستور داده شد: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» و خویشان نزدیکت را هشدار ده. پیامبر در همان جلسه‌ی اول که با خویشاوندانش داشتند، مأمور بودند که رسالت خودشان را آشکار کنند. صحبت از آینده است. چه کسی حاضر است که با من بیعت کند تا وزیر، وصی و وارث من باشد؟ نوشته‌اند که فقط یک نفر در آنجا اعلام آمادگی کرد. این قضیه ذیل عناوین بسیار جذابی در تمام دوران رسالت پیامبر ادامه پیدا کرده است. گاهی به عنوان وصی معرفی شده است. همه‌ی پیامبران طبق یک سنت الهی وصی داشتند تا رسالتشان عقیم نشود و فردای رحلتشان مردم سر جای اول بنگردند. گاهی به عنوان وارث مطرح شده است. چقدر جالب است! وارث من، یعنی کسی که بتواند با این شکوه، با این عظمت، با این طرح و برنامه‌ها و نقشه‌ها و با این قرآن عظیم از رسالت میراث‌داری کند.<sup>۶</sup> در این کتاب یک فهرست روایات راجع به خلافت و جانشینی داریم.

یا احادیث «مَنْزَلَتْ» که ناظر به این روایت مشهور است: «أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزَلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى»<sup>۶</sup> تو برای من در مقام و منزلت هارون از موسی هستی» که مسئله‌ی وزارت و جانشینی و خلافت است. جالب است که در احادیث، عنوان امامت نیز به کار رفته است. امام بعد از من چه کسی باشد؟ یک فهرست فوق العاده جذابی دارد که معلوم می‌شود پیامبر عزیز ما در طول دوران رسالتشان در مناسبت‌های مختلف - از روز اول تا روز رحلت - به این امر پرداخته‌اند.

پیامبر اکرم در مجلس رحلتشان - طبق احادیثی که هم در نصوص اهل سنت و هم در کتاب‌های شیعه است - فرمودند: قلم و دوات بیاورید، چیزی بنویسم که بعداً گمراه نشوید. در تمام این بخش‌ها سخن از دو یادگار است که اگر به هر دو تمسک کنیم، گمراه نخواهیم شد: قرآن و عترت. عترت را پیامبر عزیز ما یا علی بن ابی طالب (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) معرفی می‌کند که برگزیده، ممتاز، سرشناس، شناخته‌شده و شخصیت درخشان و خورشیدوشتی بود که در علم، تقوا، شجاعت، فداکاری، سیاست، بیان، بلاغت، عبادت، عشق، عرفان، حرف

اول را در بین امت اسلامی می‌زد و همه در این بخش‌ها اتفاق نظر دارند.

### ■ واقعه‌ای برای تمام تاریخ

از آن جلسه‌ی اول که «أَنْذِرَ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» بود، نام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) به میان می‌آید تا روز آخر. از بین این مجموعه‌ی اقدامات، اقدامی که اتمام حجت به تمام معنای کلمه است، در هجدهم ماه ذی الحجه، بعد از حجه‌ی الوداع به وقوع پیوست. داستان را همه‌ی عزیزان ما می‌دانند. اگر هزاربار هم بشنویم و تعریف کنیم، باز هم دلمان آکنده‌ی از شوق برای شنیدن دوباره و چندباره و صدبارهاش است. پیامبر اکرم حضور در این حج را برنامه‌ریزی کرد با اعلام اینکه این حج، حج پایانی من است و اینکه مرگ من نزدیک شده. دستور داد همه را از سراسر جامعه‌ی اسلامی خبر کنند. برای این منظور بهترین موقعیت را انتخاب کرد: وقتی که حجاج همه‌ی کارهایشان را انجام داده‌اند و می‌خواهند به سمت شهرها و دیارشان بروند. منطقه‌ی «جحفه»<sup>۷</sup> برای این کار انتخاب شد. آنجا اعلام کردند: همه جمع شوید،

رفته‌ها برگردند و صبر کنید آنهایی که نیامده‌اند، برسند. بعد آن اجتماع بی نظیر و استثنایی شکل گرفت. حضرت دستور دادند از جهاز اشتران منبری فراهم کنند تا همه بتوانند ایشان را ببینند. این فراخوان یک فراخوان غیرعادی است. کارها تمام شده و همه با شوق و اشتیاق به سمت منازلشان برمی‌گردند، اما حالا باید برگردند. در این اجتماع عظیم و باشکوه که از همه‌ی شهرها و مناطق اسلامی آن روز در آن حضور دارند، پیامبر اکرم می‌خواهد حرفی را بزند و خبری را اعلام کند. این چیزی نیست که با مجموعه‌ی این خصوصیات کسی از یادش برود. جالب اینکه پیامبر عزیز ما وقتی بالای منبر قرار می‌گیرند، تنها نمی‌روند. یک نفر را با خودشان می‌برند تا سخنانشان کاملاً تطبیق داده شود. آن خطبه‌ی مفصل را می‌خوانند که جزء متن‌های بسیار زیبایی است که به عنوان خطبه‌ی غدیر شناخته شده است. آن خطبه‌ی مفصل با آن مقدمه، جلوه‌های ویژه و فصاحت و بلاغت و اوج و فرودهای زیبایی دارد. پیامبر بعد از گرفتن همه‌ی اقرارها درباره‌ی اصل رسالت و توحید و شهادت به توحید، شهادت به

رسالت، دست علی بن ابی طالب را در برابر چشمان این جماعت از حج برگشته، تطهیرشده، پاک‌شده و مهیا برای شنیدن، بالا می‌گیرند و این پیام، آخرین دستوری است که از جانب وحی به ایشان داده شد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ؟» ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای. و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد». این آن پیامی است که اگر نرسد، انگار هیچ یک از پیام‌ها را نرساندی؛ یعنی با کل جریان رسالت برابری می‌کند. آنجا پیامبر اکرم دست علی بن ابی طالب را بلند کرد و اعلام داشت: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، درباره‌ی شخص غایبی صحبت نکردند تا بعدها برخی ادعا کنند. بعد هم دعا می‌کند: «اللَّهُمَّ وَالِّ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ مَنْ نصره، وَ اخذِلْ مَنْ خذله؛ خدایا دوست بدار کسی را که علی را دوست می‌دارد و با دشمنان علی دشمن باش و یاری کن کسی را که یار و یاور علی است و واگذار [و کمک مکن] کسی را که علی را

واگذاشته است». پیامبر اکرم به این مقدار اکتفا نکردند. دعا که تمام شد، وقتی فرود آمدند، عمامه‌ی خودشان را به سر مبارک حضرت بستند. اینها همه نشانه است. بعد خیمه‌ای در کنار خیمه‌ی خودشان برای علی بن ابی طالب (علیه السلام) زدند که همه به آن خیمه مراجعه و با علی (علیه السلام) بیعت کنند. بیعت برای آقایان و خانم‌ها هم تعریف شد که چگونه بیعت کنند. سه روز طول کشید تا همه بیعت کنند.

به این ترتیب پیامبر عزیز ما در غدیر با این کیفیت و خصوصیت در آن روز بزرگ، تکلیف آینده‌ی امت اسلامی را مشخص کردند. روی این جمله دقت شود: این کاری بود که پیامبر در تمام سال‌های رسالتش انجام داد و غدیر اوج و قله‌اش بود. نکته‌ی مهم اینکه پیامبر اکرم در جریان غدیر، هم شخص و هم اشخاص را معرفی کردند و تا وجود مقدس حضرت مهدی (علیه الصلاة والسلام و عجل الله تعالی فرجه الشریف) را معرفی کردند؛ ولی ما فقط جمله‌ی «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاةً» را نقل می‌کنیم. در این جریان بسیار مهم و سرنوشت‌ساز پیامبر عزیز ما شاخص

ولایت الهی، وصایت و رهبری امت اسلامی را ارائه کردند. لذا می‌توانیم بگوییم که در ماجرای غدیر نه فقط شخص معرفی شد؛ منتها شخصی معرفی شد که می‌شود گفت در یک کلمه به خلافت، امامت و پیشوایی شرف داد؛ یعنی علی (علیه الصلاة والسلام). این‌طور نبود که خلافت، امامت، رهبری امت برای علی شرفی باشد؛ او است که برای خلافت و رهبری شرف است.

### ■ شکر عید غدیر

امشب و فردا، باید روز شکر ما باشد. تمام اعمال عید غدیر، چه نماز، چه روزه‌اش، چه هدیه دادنش، عیدی دادنش، نو پوشیدنش، همه‌ی اینها به منزله‌ی شکر این عید است. سند افتخار بزرگ این است که کشوری که امروز به مدد عنایت الهی، با همت امام فهیم راحل عظیم الشأن و با حضور شهدای عزیز و همت مردمان عزیز ما، زیر این گنبد کبود به نام علی بن ابی طالب سکه‌اش خورده و ولایت غدیر را دارد، این امت اسیت؛ لذا می‌توانید بگویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ

بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَثَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ خداوند را شکر که ما را از متمسکین به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اولاد پاکشان (علیهم السلام) قرار داده است».



### ■ منابع و مآخذ:

۱. زمزم: ۳۰.
۲. توبه: ۱۲۸.
۳. طه: ۱-۲.
۴. کهف: ۶.
۵. شعراء: ۲۱۴.
۶. اشاره به حدیث یوم‌الدار که یکی از احادیثی است که شیعیان برای اثبات ولایت بلافصل امام علی (علیه السلام) بعد از رسول اسلام به آن استناد می‌کنند. این روایت در منابع معتبر شیعه و سنی ذکر شده است.
۷. صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه؛ صحیح البخاری، فضائل الصحابه.
۸. جحفه، شهری کهن در عربستان، در نزدیکی کرانه‌های دریای سرخ که از میقاتگاه‌های حاجیان است و بین مکه و مدینه قرار دارد. جحفه در لغت به معنای جایگاه وسیع و پهناور است. سرزمین پهناوری که از یک سو به غدیرخم و وادی حرار و از دیگر سو به دریای سرخ منتهی می‌گردید.
۹. مانده: ۶۷.





افوفا؛ درنگی بر مسائل تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۸۵۹۵۹

اثنیه‌ها، ساعت ۱۹

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

